

سویه اقتصادی رژیم ویرانی صنعت و تولید داخلی است

زینت میرهاشمی

نهم خرداد هشتاد و هفت

در اردیبهشت ماه، سلسله اعتراضهای کارگران نیشکر هفت تپه تداوم داشت. حافظان نظم سرمایه در تقابلی بی شرمانه به کارگران نیشکر هفت تپه که با دستانی خالی و فقط با تکیه بر اراده خود به دفاع از حقشان برخاسته اند یورش برده و آنها را دستگیر و زخمی نمودند.

پیوستگی و سازمانیابی حرکتی اعتراضی کارگران و نیز حمایت مردمی از کارگران، از چالشهای پیش روی رژیم در مانده ولایت فقیه است. رویارویی مستقیم کارگران با ماموران، این حقیقت را ثابت میکند که نظم موجود مانع توسعه ای دموکراتیک و بهبود وضعیت معیشتی کارگران و مزدبگیران است. نظم استبدادی مانعی جدی در امر سازمانیابی کارگران برای پیشبرد تلاشهای برحقشان است. گزارش کامل اعتراضهای اخیر کارگران نیشکر هفت تپه در پایان خواهد آمد. با نگاهی به آمار و ارقام دولتی در مورد خط فقر و حقوق ۲۱۹ هزار تومانی کارگران با خانواده های تقریباً ۵ نفره، بخش کوچکی از فاجعه فقری که گریبان کارگران و مزدبگیران را گرفته است، آشکار میشود. وضع صنعت و اقتصاد به برکت سیاستهای رژیم آنقدر خراب است که در انعکاس آمارهای مربوط به فقر، خط فقر و فقر شدید اختلاف افتاده است.

تدوینگر نقشه جغرافیایی خط فقر، درآمد ۴۰۰ هزار تومان را نشانگر خط فقر شدید کشوری و ۷۷۰ هزار تومان تا ۷۸۰ هزار تومان را خط فقر شدید در شهر تهران دانسته است. (منبع: همشهری ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۷). راغفر، متخصص حوزه رفاه اجتماعی، رشد سالانه خط فقر را ۱۸ درصد اعلام کرده و می گوید: «خط فقر مطلق کشوری در سال ۸۳ تقریباً ۲۳۸ هزار تومان و در سال بعد ۲۷۶ هزار تومان، در سال ۸۵ برابر ۳۲۵ هزار تومان و در سال ۸۶ برابر ۴۰۰ هزار تومان» بوده است. وی می افزاید که: «در سال ۸۶، حداقل ۳۵ درصد جمعیت کشور در زیر خط فقر مطلق به سر می بردند.» (ایسنا ۲۰ اردیبهشت ۸۷).

پایوران نظام به دادن آمار از طرف نهادهای وابسته دولتی اعتراض کرده اند. اگر چه داده های آماری توسط نهادهای حکومتی کمتر از واقعیت است اما همین هم موجب آشفتگی در ویرانه های معبد نظام شده است. وزارت رفاه و تامین اجتماعی جمهوری اسلامی آمارها و اطلاعات منتشر شده در رابطه با خط فقر را «سیاه نمایی» اعلام کرد. بر اساس گزارش همشهری ۲۰ اردیبهشت ۸۷، سخنگوی وزارت رفاه، اعلام این اطلاعات را «اقدامی علیه نظام جمهوری اسلامی» محسوب کرده است. وی گوشزد کرده که در شرایطی که «فقر و نابرابری» در ایران موضوع کار نهادهای بین المللی و مدافعان حقوق بشر است، نباید چنین آماری منتشر شود.

وی این گونه آمار دادنها را «همنوايي با بيگانگان» اعلام کرده است. وی اعلام میکند که: «هیچ کجای قانون نیامده است که باید خط فقر را به مردم اعلام کنم چرا که تشخیص میدهم به نفع مردم نیست.» (روزنامه تهران امروز ۹ اردیبهشت ۸۷) در حالی دولت پاسداران از تک نرخی شدن رقم بیکاری، کاهش تورم دم می زند، گردانندگان نظام ورشکسته آمارهایی خلاف نظر احمدی نژاد انتشار میدهند. وزیر کار در اوایل اردیبهشت اعلام کرد که نرخ بیکاری جوانان به ۲۰ درصد

رسیده است. این در حالی است که دولت احمدی نژاد از تک نرخی بودن رقم بیکاری صحبت کرده بود. یک کارشناس اقتصادی نظام به نام تقوی در رابطه با چشم انداز سیاستهای اقتصادی میگوید: «وقتی تورم و گرانی انباشته در جامعه وجود داشته باشد، وانگیزه ها برای تولید از میان برود این مشکلات اقتصادی در سرازیری جامعه به بهمنی مبدل خواهد شد که همه چیز را از سر راه خود می برد.» (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۵ اردیبهشت ۸۷)

اگر کارگران و مزدبگیران از خوردن گوشت تا کنون محروم بوده اند حالا برنج هم به کالای لوکس تبدیل شد. واردات برنج و چای، به کشاورزان ایران بسیار صدمه وارد کرده است. دولت با پایین آوردن تعرفه روی برنج، چای و شکر محصولات داخلی را به ورشکستگی و باندهای مافیای واردات را که در استان هزار فامیل ملاها جریان دارد فربه تر کرده است. دولت تعرفه برنج را ۱۴۶ درصد کاهش داده که مافیای برنج هم به مافیای شکر و چای اضافه شده است. سعید رحمت سمیعی، رئیس هیات مدیره سندیکای کارخانه های چای درگیلان می گوید: «از ۱۷۰ کارخانه چای، ۱۶۹ کارخانه به دلیل عدم امکان فروش چای تعطیل هستند.»

علی عسگری معاون اقتصادی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی احمدی نژاد در ۱۷ اردیبهشت اعلام کرد که «تعداد فقرا حدود ۵۰ درصد جامعه است و ۷۰ درصد جامعه با ۴۰ درصد امکانات و درآمد کشور زندگی می کنند احمدی نژاد در مصاحبه با روزنامه اعتماد از بهبود وضعیت معیشتی مردم سخن پراکنی می کند و مدعی می شود «که: قدرت خرید سرانه و قدرت خرید مردم افزایش پیدا کرده است

رئیس دولت پاسداران برای فرار از عمق فاجعه اقتصادی، مسئولیت را از خود دور کرده و اعلام کرده است که «امام زمان» جامعه را «مدیریت» می کند

به دنبال این اظهار نظر در مورد مدیریت امام زمان، خودیهای نظام آشفتگی خود را به گونه های متفاوت نشان دادند. احمدی نژاد مدیریت سخنرانی خود در دانشگاه کلمبیا را «مدیریت امام زمانی» دانسته و مهدی کروبی، از این که این «آبروریزی» چگونه می شود توسط امام زمان سازماندهی شده باشد اظهار تاسف کرده است.

مهدی کروبی در رابطه با سخنان احمدی نژاد در دانشگاه کلمبیا گفت: «باید بگویم چند دیپلمات ایرانی به خاطر آن موضوع ضمن ابراز تاسف به من گفتند که آن سخنان آبروی ما را برد.»

در حالی که وضعیت خراب اقتصادی ایران، معاش مردم را بسیار سخت کرده است، پایوران رژیم ناتوانی خود را در برابر بحران مشروعیت نظام با شعارهای توخالی و مضحک بیان میکنند که این سخنان مورد تمسخر مردم قرار میگیرد. پرویز داوودی معاون اول پاسدار احمدی نژاد گفت: «ایرانیان تمدن مدیریت و اداره دنیا را به ارث دارند و با خود پدک می کشند.» این کارگزار صدور بنیادگرایی منظورش نه مردم بلکه ولی فقیه و ایادی او هستند که فتح جهان اسلام و حکمروایی بر آن را از جمله حقوق خود به شمار می آورند. در حالی که فقط یک روز کافی است که به مردم فرصت داده شود تا تنفر خود را از این رژیم نشان دهند. داوودی با بی شرمی میگوید: «مردم ایران اسلام را به بهترین وجه پذیرفتند و مناسب ترین ظرف را برای شکوفایی اسلام در دنیا ایجاد کردند.» وی در سخنان خود به شکل مضحکی مدعی که: «مردم ایران در سه دهه اخیر به صورت تصاعدی و فورانی رشد کرده اند.» پاسدار داوودی برای کارگران نیشکر هفت تپه چه جوابی دارد؟